

Editorial:

A Call for Criminal Law and Criminological Analysis of the U.S.–Israeli Aggression against Iran: From Patterns of Criminality to Models of Criminal Prosecution



**Seyyed Mostafa
Mohaghegh Damad**

Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
m_mohaghegh@sbu.ac.ir



**Mohammad
Darvishzadeh**

President of the Iranian Law and Legal Research Institute and former Supreme Court Justice, Tehran, Iran (Responsible author)
darvishzadeh@illrc.ac.ir



Abstract

The 2026 U.S.–Israeli aggression against Iran raises a set of questions that extend beyond the conventional legal analysis of armed conflict and call for sustained engagement from criminal law and criminology. This editorial proposes a research agenda for examining the alleged violations through the conceptual and evidential frameworks of criminal responsibility, state criminality, victimology, and international criminal law. Its central concern is how the factual record of large-scale violence can be translated into legally cognisable evidence capable of establishing individual responsibility across different levels of political and military decision-making. . The editorial develops this agenda around five interrelated fields of inquiry: the documentation and critical assessment of the aggression and its consequences; criminological analysis of patterns of state violence and victimisation; the attribution of criminal responsibility and the construction of viable models of prosecution; the liability of accomplices and facilitators and the jurisdiction of domestic courts; and the development of

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 3 | No. 5 | spring and
summer 2026
(Editorial)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/jclc.2025.720961

proportionate responses within the criminal justice system. Particular attention is given to attacks on civilians and civilian infrastructure, the destruction of cultural and religious sites, command responsibility, complicity, digital and satellite evidence, collective victimisation, reparations, and the relationship between punitive and restorative justice. A recurring problem addressed throughout the editorial is the capacity of political and military power to appropriate legal language in order to recast potentially criminal conduct as security policy, military necessity, or anticipatory self-defence. Criminal law scholarship therefore has a distinctive task: to subject such justificatory narratives to rigorous analysis by reconstructing chains of causation, identifying the relevant mental elements, distinguishing political rhetoric from legally material facts, and developing evidentially sustainable accounts of responsibility. The broader argument is that scholarship in criminal law and criminology should not remain confined to retrospective description. It can contribute to the systematic preservation of evidence, the identification of responsible actors, the clarification of jurisdictional bases, and the construction of prosecutorial frameworks capable of being tested before competent national or international forums. The editorial accordingly calls for a transition from the documentation of collective suffering to the production of legally structured records of alleged criminality, thereby placing accountability, rather than political characterisation alone, at the centre of the scholarly response.



سرمقاله: فراخوانی برای تحلیل کیفری و جرم‌شناختی تجاوز اسرامریکا به ایران؛ از تبیین الگوهای جنایی تا تدوین مدل‌های تعقیب کیفری

سیدمصطفی محقق داماد 

استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
m_mohaghegh@sbu.ac.ir

محمد درویش زاده 

رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران و قاضی پیشین دیوانعالی
کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
darvishzadeh@illrc.ac.ir



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۳ | شماره ۵ | بهار و تابستان ۱۴۰۵
(سرمقاله)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclc.2025.720961

مقدمه

۱- در تلاطم تجاوز و چالش‌های حقوق کیفری

وقایع تکان‌دهنده اسفندماه ۱۴۰۴ مصادف با فوریه ۲۰۲۶ میلادی، فراتر از یک رویارویی نظامی، یک «جنایت سازمان‌یافته در ابعاد دولتی و بین‌المللی» بود. شهادت مظلومانه حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (ره)، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در کنار تجاوز گسترده به خاک ایران، ابعادی از بیقانونی در عرصه بین‌المللی را به نمایش گذاشت که در تاریخ معاصر بی‌سابقه است. آنچه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه بسیار تکان‌دهنده است، نقض سیستماتیک «اصل تفکیک» و هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان است. در این جنایت، متجاوز ضمن نقض قوانین، با تکیه بر قدرت هژمونیک خود، تلاش نمود تا از طریق بازتعریف مفاهیم حقوقی، جنایات خود را تحت پوشش واژگانی چون «امنیت»، «دفاع پیش‌دستانه» و ... توجیه کند؛ رویکردی که می‌توان آن را «بهره‌برداری ابزاری از قانون توسط قدرت» برای پوشاندن ماهیت مجرمانه اقدامات دانست.

جنایاتی نظیر قتل عمدی ۱۵۶ دانش آموز و معلم بی‌گناه در مدرسه میناب، با هدف قرار دادن مراکز علمی، آموزشی، تاریخی، امدادی، درمانی و مکان‌های مقدس، نشان‌دهنده یک «الگوی رفتاری مجرمانه» است. تجاوز به زیرساخت‌های حیاتی چون آب، برق و گاز نیز در واقع نوعی «ترور اجتماعی» برای نابودسازی شرایط زیستی ملت است. لذا در این نوشتار، با هدف تبدیل «دانش کیفری» به «سلاح قضایی»، فراخوانی برای پژوهشگران حقوق کیفری و جرم‌شناسان ارائه می‌شود تا با نگاهی تحلیلی، ابعادی از این جنایات را کالبدشکافی کرده و مسیرهای عملیاتی برای پیگرد کیفری متجاوزان و همدستان آن‌ها را ترسیم نمایند.

۲- بیان مسئله: رسالت جرم‌شناس و حقوقدان کیفری در برابر «توجیه جنایت توسط قدرت»

در مواجهه با تجاوز ائتلاف اسرامریکا، با پدیده‌ای روبرو هستیم که در آن، متجاوز تلاش می‌کند با استفاده از قدرت، هرگونه مسئولیت کیفری را از خود بزداید و با تغییر تعاریف حقوقی، «جرم» را به «اقدام قانونی» تبدیل کند. در این شرایط، رسالت جامعه حقوقدانان کیفری و جرم‌شناسی، مقابله با تحلیل‌های سیاسی از طریق ارائه «تحلیل‌های اثباتی و کیفری» است. در این راستا، پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان «قصد مجرمانه»^۱ را در سطح تصمیم‌گیران ارشد اسرامریکا به گونه‌ای مستند کرد که در دادگاه‌های کیفری، امکان هرگونه توجیه از آنان سلب شود؟ پاسخ به این سوال، نیازمند تبیینی است که بتوان «قدرت متجاوز» و «حق قربانی» را از یکدیگر تفکیک کرد و با استفاده از ابزارهای جرم‌شناختی، زنجیره علیت جنایات را از دستورات سیاسی تا کشتار کودکان در مدرسه میناب ترسیم نمود. هدف ما، تبدیل «درد ملی» به «سند اتهامی» است تا متجاوز را در جایگاه یک «جنایتکار جنگی» قرار دهیم.

۳- رویکرد جرم‌شناختی و کیفری؛ ابزاری برای بازیابی عدالت

برای رسیدن به عدالت، باید از رویکردی جامع استفاده نمود که بر سه محور استوار است:

۳-۱ جرم‌شناسی ساختاری: تحلیل الگوهای رفتاری اسرامریکا برای اثبات «عمدی بودن» و «تکرارپذیر بودن» جنایات.

۳-۲ مستندسازی کیفری: تبدیل شواهد میدانی به «سندهای اتهامی» برای استفاده در محاکم کیفری.

۳-۳ تطبیق کیفری: بررسی مسئولیت کیفری متجاوز بر اساس استانداردهای ملی و بین‌المللی برای یافتن شدیدترین مجازات‌های ممکن.

۴- فراخوان پژوهشی: محورهای تحلیل کیفری و جرم‌شناختی تجاوز اسرامریکا؛ این نیازهای پژوهشی در ۵ محور به شرح زیر تبیین می‌گردد:

الف) محور مستندسازی تجاوز و آسیب‌شناسی:^۱

۴-۱ تدوین متدولوژی «مستندسازی کیفری»^۲ جنایات تجاوز ۲۰۲۶؛ از صحنه جرم تا سند اتهامی:

- پرسش: استانداردهای فنی و حقوقی برای تبدیل شواهد میدانی تجاوز به ادله اثبات دعوا در محاکم کیفری چیست؟

- فرضیه: استفاده از پروتکل‌های زنجیره تأمین دلیل، امکان انکارناپذیری جنایات را در مراجع قضایی فراهم می‌کند.

- هدف: استانداردسازی مستندات برای جلوگیری از مخدوش شدن ادله در گذر زمان.

۴-۲ مستندسازی تطبیقی «آسیب‌های ساختاری»؛ محاسبه خسارات کیفری ناشی از تخریب زیرساخت‌های حیاتی:

- پرسش: تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی چگونه بر اساس شاخص‌های کیفری به «خسارت مادی و معنوی» قابل مطالبه تبدیل می‌شود؟

1 Documentation and Critical Assessment of the Crime of Aggression

2 Criminal Documentation

- **فرضیه:** تخریب زیرساخت‌ها فراتر از آسیب فیزیکی، به عنوان «جنایت علیه استانداردهای حیات» قابل کیفر است.

- **هدف:** تدوین فرمول‌های دقیق برای برآورد هزینه‌های جبران خسارت کیفری.

۴-۳. کالبدشکافی کیفری جنایت مدرسه میناب؛ مستندسازی قتل عمد ۱۵۶ دانش‌آموز و معلم از منظر حقوق کیفری

- **پرسش:** مؤلفه‌های عنصر مادی و معنوی در حمله به مدرسه میناب چگونه «قتل عمد سیستماتیک» را اثبات می‌کند؟

- **فرضیه:** هدف‌گیری مستقیم مدرسه، قرینه‌ای بر قصد مجرمانه برای کشتار غیرنظامیان است.

- **هدف:** ایجاد پرونده کیفری مستحکم برای پیگرد مجریان و دستوردهندگان این جنایت.

۴-۴. تحلیل شواهد دیجیتال و ماهوارهای در اثبات «عمدی بودن» حملات به مراکز غیرنظامی

- **پرسش:** داده‌های ماهواره‌ای و ردپای دیجیتال سیستم‌های تسلیحاتی اسرامیکا چگونه «عنصر عمد» را در حملات اثبات می‌کند؟

- **فرضیه:** دقت تسلیحات به کار رفته، ادعای «خطای عملیاتی» یا «آسیب جانبی» را از منظر کیفری باطل می‌سازد.

- **هدف:** بهره‌گیری از فناوری‌های نوین رد دفاعیات غیرواقعی متجاوز.

۴-۵. مستندسازی تخریب مکان‌های مقدس و میراث فرهنگی به عنوان «جنایت علیه هویت بشری»

- **پرسش:** تخریب عمدی اماکن مذهبی و تاریخی ایران در تجاوز ۲۰۲۶، طبق کدام عنوان مجرمانه بین‌المللی قابل تعقیب است؟

- **فرضیه:** این اقدامات مصداق «جنایت جنگی» و جنایت علیه میراث مشترک بشریت است.

- **هدف:** تبیین ابعاد کیفری تخریب هویت ملی و مذهبی در دادگاه‌های بین‌المللی.

ب) محور جرم‌شناسی و تحلیل رفتاری:^۱**۴-۶ تحلیل جرم‌شناختی «خشونت دولتی»؛ بررسی الگوهای تهاجمی اسرامریکا در تجاوز ۲۰۲۶**

- پرسش: ساختار سیاسی و نظامی اسرامریکا چگونه بستر تولید «رفتارهای مجرمانه دولتی» را فراهم کرده است؟
- فرضیه: تجاوز 2026 محصول یک سیستم جرم‌زا در ساختار قدرت اسرامریکا است.
- هدف: تحلیل ریشه‌های رفتار مجرمانه متجاوز برای پیشگیری از تکرار جنایات.

۴-۷ . بزه‌دیده‌شناسی:^۲ در جنایات تجاوز ۲۰۲۶؛ تحلیل آثار روانی و اجتماعی شهادت کودکان و تخریب زیرساخت‌ها

- پرسش: فرآیند بزه‌دیدگی ثانویه در بازماندگان جنایت مدرسه میناب و جامعه ایران چگونه تحلیل می‌شود؟
- فرضیه: گستره بزه‌دیدگی در این تجاوز، کل پیکره جامعه را به عنوان «قربانی جمعی» در بر گرفته است.
- هدف: تبیین شدت آسیب‌ها برای متناسب‌سازی واکنش‌های اجتماعی و قضایی.

۴-۸. بررسی جرم‌شناختی «ترور سیاسی»؛ تحلیل الگوی ترور رأس قدرت در تجاوز ۲۰۲۶

- پرسش: انگیزه و اهداف جرم‌شناختی اسرامریکا از ترور رهبران ملی ایران در تجاوز 2026 چیست؟
- فرضیه: این اقدام با هدف «بی‌سازمان‌سازی اجتماعی» و فروپاشی نظم عمومی صورت گرفته است.
- هدف: کالبدشکافی جرم‌شناختی ترورهای هدفمند به عنوان ابزار جنایت دولتی.

¹ Criminogenic System Criminology and behavioral Analysis² Victimology

۴-۹ تحلیل رفتارشناسی متجاوز؛ بررسی تکرارپذیری جنایات اسرامریکا در مناطق مختلف جهان

- پرسش: آیا الگوی رفتاری اسرامریکا در تجاوز 2026 نشان دهنده «حالت خطرناک»^۱ در سطح بین‌المللی است؟

- فرضیه: تکرار جنایات مشابه در دهه‌های اخیر، از جمله در غزه بیانگر وجود یک «شخصیت مجرمانه بین‌المللی» در دولت متجاوز است.

- هدف: اثبات ضرورت برخورد قاطع کیفری برای مهار متجاوز در نظام جهانی.

۴-۱۰ بررسی جرم‌شناختی «ترور اجتماعی»؛ تحلیل هدف قرار دادن سیستم‌های توزیع آب و برق به عنوان ابزار فشار

- پرسش: جرم‌شناسی «ترور زیرساختی» چگونه رابطی میان تخریب خدمات شهری و رنج انسانی را تبیین میکند؟

- فرضیه: هدف قرار دادن نیازهای اولیه، به قصد ایجاد «ارعاب عمومی» و بزه‌دیدگی وسیع غیرنظامیان طراحی شده است.

- هدف: تبیین ماهیت جرم‌شناختی حملات زیرساختی به عنوان ابزار فشار جنایی بر توده‌ها.

ج) محور مسئولیت کیفری و پیگرد^۲

۴-۱۱. تحلیل تطبیقی «قصد مجرمانه» در تجاوز ۲۰۲۶؛ بررسی معیارهای اثبات عمد در حقوق کیفری بین‌الملل و ملی

- پرسش: تفاوت معیار اثبات «قصد» در نظام حقوقی اسرامریکا و ایران در پرونده‌های جنایات جنگی چیست؟

- فرضیه: معیارهای اثبات عمد در حقوق اسلامی و بین‌الملل، اقدامات اسرامریکا را به طور قطع در دایره «جنایات عمدی» قرار می‌دهد.

¹ Dangerous State

² Responsibility and Prosecution

- هدف: رفع ابهامات قانونی در مسیر اثبات سوءنیت متجاوز.

۴-۱۲ مطالعه تطبیقی «مسئولیت فرماندهی»^۱ در جنایت مدرسه میناب

- پرسش: مسئولیت کیفری مقامات ارشد نظامی اسرامریکا در قبال جنایات ارتكابی

نیروهای تحت امر در مدرسه میناب چگونه اثبات می‌شود؟

- فرضیه: عدم نظارت و صدور دستورات کلی، رافع مسئولیت کیفری فرماندهان ارشد متجاوز نیست.

- هدف: پیگرد قانونی آمران و تصمیمگیران اصلی جنایات.

۴-۱۳ تحلیل کیفری «سلسله مراتب مسئولیت»؛ از تصمیمگیران ارشد تا مجریان

عملیاتی در تجاوز ۲۰۲۶

- پرسش: در یک جنایت سازمان یافته دولتی، سهم مسئولیت کیفری هر یک از حلقه‌های

زنجیره قدرت چگونه تفکیک می‌شود؟

- فرضیه: تمام اشخاص حاضر در زنجیره تصمیم‌گیری، به عنوان شریک یا معاون در جنایات جنگی مسئولیت دارند.

- هدف: تدوین نقشه جامع متهمان برای پیگرد قضایی فراگیر.

۴-۱۴ بررسی تطبیقی «جنایت علیه بشریت» در برابر «عملیات امنیتی» در قوانین

داخلی امریکا

- پرسش: چگونه می‌توان با استفاده از تعارضات قانونی، واژه «عملیات امنیتی» را در

حقوق داخلی امریکا به «جنایت جنگی» تغییر داد؟

- فرضیه: اقدامات امریکا در تجاوز ۲۰۲۶، حتی با استانداردهای داخلی خود این کشور نیز در تضاد است.

- هدف: استفاده از ظرفیت‌های حقوقی داخلی کشور متجاوز علیه مقامات آن.

¹ Criminal Command Responsibility

۱۵-۴. تحلیل کیفری «مجازات دسته‌جمعی»؛ قطع دسترسی به نیازهای اولیه زندگی در تجاوز ۲۰۲۶

- پرسش: آیا قطع آب و برق مصداق مجازات دسته‌جمعی^۱ و مستوجب کیفر کیفری است؟

- فرضیه: محروم‌سازی سیستماتیک غیرنظامیان از منابع زیستی، یک عنوان مجرمانه مستقل در حقوق کیفری بین‌الملل است.

- هدف: تبیین مبانی قانونی برای محاکمه عاملان محاصره و تخریب زیرساخت‌ها.

د) محور پیگرد همدستان و صلاحیت محاکم داخلی:^۲

۱۶-۴. امکان‌سنجی رسیدگی محاکم داخلی ایران به «همدستان و تسهیل‌گران» تجاوز اسرامریکا

- پرسش: ظرفیت‌های قانون مجازات اسلامی ایران برای محاکمه اتباع خارجی و داخلی که در تجاوز ۲۰۲۶ همکاری کرده‌اند چیست؟

- فرضیه: برای رسیدگی به برخی جرائم، بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی و برای برخی دیگر بر اساس اصل صلاحیت حمایتی و جهانی، محاکم ایران صلاحیت کامل برای برخورد با همدستان متجاوز را دارند.

- هدف: فعال‌سازی ظرفیت‌های قضایی داخلی برای اجرای عدالت.

۱۷-۴ تحلیل کیفری «همدستی در جنایت»؛ بررسی مسئولیت کیفری دولت‌های ثالث در حمایت از تجاوز اسرامریکا

- پرسش: ارائه پایگاه و لجستیک توسط کشورهای همسایه به اسرامریکا، چه مسئولیت کیفری برای مقامات آن کشورها ایجاد می‌کند؟

- فرضیه: دولت‌های ثالث فراهم‌کننده امکانات، به عنوان «معاون در جرم» در تمام جنایات ارتكابی شریک هستند.

1 Collective Punishment

2 Prosecution of Accomplices and the jurisdiction of National Courts

- هدف: ایجاد اهرم‌های حقوقی برای فشار بر دولتهای همکاری‌کننده با متجاوز.
- ۱۸-۴ بررسی صلاحیت محاکم داخلی برای محاکمه «عوامل جاسوسی و نفوذی»
در تسهیل تجاوز ۲۰۲۶:
- پرسش: نقش نفوذ در شناسایی اهداف (مانند مدرسه میناب یا مراکز پتروشیمی) چگونه در قالب جرایم علیه امنیت ملی پیگیری می‌شود؟
- فرضیه: عوامل اطلاعاتی دشمن، شریک جرم در جنایات جنگی محسوب شده و مستوجب اشد مجازات هستند.
- هدف: پاکسازی و برخورد کیفری قاطع با هسته‌های داخلی همسو با متجاوز.
- ۱۹-۴ تحلیل تطبیقی مسئولیت کیفری «شرکای غیرمستقیم» در جنایات جنگی
اسرامریکا
- پرسش: مسئولیت کیفری شرکتهای تسلیحاتی و تأمین‌کنندگان تکنولوژی‌های تهاجمی اسرامریکا چیست؟
- فرضیه: شرکت‌هایی که با علم به کاربرد تسلیحات علیه مراکز غیرنظامی، آنها را تأمین کرده‌اند، مسئولیت کیفری دارند.
- هدف: پیگرد حقوقی و مالی کمپانی‌های حامی ماشین جنگی اسرامریکا.
- ۲۰-۴ بررسی سازوکارهای «توقیف دارایی‌ها» برای جبران خسارات وارده به
قربانیان
- پرسش: راهکارهای قانونی برای شناسایی و توقیف اموال متجاوزان و همدستان آنها در داخل و خارج از کشور چیست؟
- فرضیه: توقیف اموال به عنوان یک «تأمین کیفری»، حق قانونی قربانیان برای دریافت غرامت است.
- هدف: تأمین منابع مالی لازم برای جبران خسارات بزه‌دیدگان.

هـ) محور متناسب سازی واکنش «نظام عدالت کیفری»:^۱

۴-۲۱ تحلیل تطبیقی «مجازات‌های متناسب» با ابعاد تجاوز اسرامریکا؛ بازتعریف کیفر در برابر جنایات سیستماتیک

- پرسش: در مواجهه با جنایاتی در مقیاس تجاوز ۲۰۲۶، نظام عدالت کیفری چگونه باید مجازات‌ها را متناسب سازی کند؟
- فرضیه: جرایم سیستماتیک علیه یک ملت، نیازمند «کیفرهای استثنایی» و فراتر از رویه‌های عادی است.
- هدف: جلوگیری از بی‌اثر شدن کیفر در برابر جنایات کلان.

۴-۲۲ مطالعه تطبیقی مدل‌های «جبران خسارت کیفری» با «دیات» در برابر جنایات سازمان یافته دولتی

- پرسش: انطباق نظام فقهی دیات با مدل‌های بین‌المللی جبران خسارت در پرونده ۱۵۶ کودک دانش آموز و معلم شهید چگونه است؟
- فرضیه: تلفیق مدل اسلامی دیات با مسئولیت مدنی بین‌المللی، عادلانه‌ترین روش جبران خسارت است.
- هدف: تدوین الگوی جامع مطالبه دیه و خسارت برای خانواده‌های شهدا.

۴-۲۳ بررسی «عدالت ترمیمی» در برابر «عدالت تنبیهی» در پرونده‌های مربوط به شهادت کودکان مدرسه میناب

- پرسش: چگونه می‌توان مکانیسم‌های عدالت ترمیمی را در کنار رویکردهای تنبیهی برای التیام بخشیدن به تروماهای جمعی بازماندگان جنایت میناب به‌کار گرفت؟
- فرضیه: عدالت ترمیمی با تمرکز بر نیازهای بزه‌دیدگان و مسئولیت‌پذیری دولت متجاوز، مکمل عدالت تنبیهی در بازسازی بافت اجتماعی آسیب دیده است.
- هدف: ارائه یک مدل جامع قضایی که علاوه بر مجازات متجاوز، به فرآیند بهبود و ترمیم حقوق معنوی بزه‌دیدگان نیز توجه داشته باشد.

¹ Criminal Justice System

۴-۲۴ تحلیل متناسب سازی واکنش کیفری در برابر «ترور حاکمیت» و آثار آن بر امنیت ملی

- پرسش: واکنش کیفری متناسب با «ترور رأس قدرت» به عنوان جنایتی علیه موجودیت و امنیت ملی یک کشور، در حقوق کیفری مدرن چگونه تعریف می‌شود؟
- فرضیه: ترور رهبری یک کشور، جرمی فراتر از قتل نفس و یک «جنایت علیه حاکمیت»^۱ است که مستلزم واکنش‌های کیفری استثنایی در سطح ملی و بین‌المللی است.
- هدف: تبیین جایگاه کیفری ترور مقامات عالی‌رتبه و تدوین چارچوب قانونی برای پاسخ‌های قضایی متناسب با آن.

۴-۲۵ بررسی تطبیقی «حق حیات» در برابر استراتژی «تخریب زیرساخت‌های بهداشتی» و متناسب سازی کیفر آن

- پرسش: تخریب سیستماتیک زیرساخت‌های درمانی در تجاوز ۲۰۲۶، چگونه در حقوق کیفری به عنوان «قتل غیرمستقیم توده‌ها» و نقض حق حیات جرم‌انگاری می‌شود؟
- فرضیه: هدف قرار دادن مراکز درمانی با علم به پیامدهای مرگبار آن، مصداق بارز جنایت جنگی بوده و نیازمند شدیدترین کیفرها در نظام عدالت کیفری است.
- هدف: اثبات رابطه علیت میان تخریب زیرساخت‌های سلامت و فوت غیرنظامیان جهت تشدید مجازات متجاوزان.

نتیجه‌گیری:

در نهایت باید تأکید کرد که هدف از این فراخوان، تولید متون نظری محض نیست؛ بلکه ما در پی دستیابی به یک «زرادخانه حقوقی» هستیم که بتواند در دنیای واقعی، متجاوزان اسرامریکا و همدستان آنها را به پاسخگویی کیفری وادارد. در تلاطم وقایع سال 2026، جایی که قدرت عریان سعی کرده با غارت قانون و بازتعریف مفاهیم، ماهیت جنایات خود را بپوشاند، تنها راه مقابله، تکیه بر استدلال‌های مستحکم کیفری و جرم‌شناختی است که بتواند «جنایت» را از «سیاست» تفکیک نماید.

رسالت جرم‌شناسان و حقوقدانان کیفری در این برهه تاریخی، تبدیل «درد ملی» به «سند کیفری» است. پژوهش‌هایی که در این ۲۵ محور دنبال می‌شوند، نباید تنها در صفحات مجلات علمی محدود بمانند؛ بلکه باید به عنوان «سندهای اتهامی» در دادگاه‌های صلاحیتدار ملی و بین‌المللی به کار گرفته شوند تا جنایات اسرامریکا، به عنوان «جنایات جنگی اثبات شده» در تاریخ حقوق بشر ثبت گردد. امید است که خروجی این تلاش، گامی مؤثر در مسیر محاکمه کیفری متجاوزان و استقرار عدالت واقعی در نظام حقوقی جهان باشد. بعون الله و موده.